

اوج تنش کلامی در این بخش، زمانی بود که دونالد رامسفلد برای رد استدلال‌های پوتین، او را با یکی از شاخص‌ترین منتقدان لیبرال دولت بوش مقایسه کرد. رامسفلد خطاب به پوتین گفت: «شما دقیقاً همان استدلالی را درباره سلاح‌های هسته‌ای کوچک مطرح می‌کنید که تد کندی (سناتور دموکرات و مخالف سرسخت بوش) بیان می‌کند.» این مقایسه در فرهنگ سیاسی آن زمان جمهوری خواهان، نوعی تحقیر محسوب می‌شد. جورج بوش بلافاصله متوجه سسگینی این حرف شد و رو به پوتین گفت: «این تقریباً بزرگ‌ترین توهینی است که‌ما می‌توانیم بکنیم.» این بخش از سسند آشکار می‌سازد که نگرانی مسکو در سال ۲۰۰۵ فراتر از گسترش ناتو بود؛ مسکو نگران بود که آمریکا با ساخت سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی و «سنگرشکن»، مرز میان جنگ اتمی و جنگ متعارف را محو کرده و استفاده از بمب اتم را در میادین نبرد واقعی «عادی‌سازی» نماید. پاسخ‌های رامسفلد نیز نشان می‌دهد که پنتاگون به‌شدت در پی راهکاری برای انهدام تأسیسات غنی‌سازی زیرزمینی (احتمالاً با نگاه به ایران یا کره شمالی) بوده است.

۲۰۰۸؛ صریح‌ترین تهدیدها در آخرین رویارویی

سومین سند محرمانه که به تازگی از طبقه‌بندی خارج شده است، پرده از جزئیات آخرین رویارویی مستقیم بوش پسر و ولادیمیر پوتین در دوران ریاست جمهوری بوش برمی‌دارد. این دیدار که در بامداد روز ۶ آوریل ۲۰۰۸ و در فضای سنگین اقامتگاه پوتین در سوچی برگزار شد، حاوی صریح‌ترین و هولناک‌ترین هشدارهای پوتین پیرامون آینده اوکراین، کر جستان و توازن وحشت هسته‌ای است. در شرایطی که بوش می‌کوشید در روزهای پایانی دولت خود، «چارچوبی راهبردی» را برای رئیس جمهور بعدی ایالات متحده به یادگار بگذارد، پوتین با ادبیاتی تند و بی‌پرده، از «تکه‌تکه شدن اوکراین» و «پاسخ هسته‌ای فوری» سخن به میان آورد. این نشست رأس ساعت ۱۰:۰۰ صبح در «اتاق گرد» اقامتگاه تابستانی رئیس جمهور روسیه در سوچی آغاز شد. ترکیب تیم آمریکایی شامل «بوش، کاندولیزا رایس وزیر خار جه و استیون هادلی» مشاور امنیت ملی بود و در طرف مقابل، پوتین به همراه سرگئی لاوروف وزیر خار جه و یوری اوشاکوف حضور داشتند. بوش با هدف اطمینان‌بخشی به پوتین اظهار داشت: «منی خواهم رئیس جمهور بعدی آمریکا بیاید و بگوید ما نیازی به رابطه با روسیه نداریم. قصد دارم شرایطی را فراهم کنم که آن‌ها ناچار شوند در چار چوبی که ما بنا نهاده‌ایم، کار کنند.»

مبحث استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در لهستان و جمهوری چک، پرتش‌ترین بخش فنی مذاکرات بود. پوتین با صراحت در این باره اعلام کرد که بازرسی‌های گاه‌به‌گاه کفایت نمی‌کند: «امن به کاندولیزا و کیتس گفتم، بسیار حیاتی است که ببینیم هر روز و هر لحظه در آن سایت‌ها چه می‌گذرد. کارشناسان ما نباید صرفاً در سفارت بنشینند.» پوتین برای ترسیم عمق خطر، یک سناریوی نظامی را تشریح کرد: «شلیک موشک از یک زیردریایی در اروپای شمالی تنهاش دقیقه‌ه زمان می‌برد تا به مسکو برسد.» او هشدار داد که سیستم‌های خودکار روسیه برای این بازه زمانی کوتاه تنظیم شده‌اند: «ظرف چند دقیقه، تمام توان پاسخ هسته‌ای ما در آسمان خواهد بود.»

پوتین طر ح‌های آمریکا را عامل آغاز یک مسابقه تسلیحاتی جدید دانست و گفت ارتش روسیه پیشنهادهایی برای مقابله ارائه داده که «بسیار وحشیانه» هستند و حتی خود او با خواندن آن‌ها وحشت‌زده می‌شود، اما در صورت عدم همکاری، ناگزیر به اجرا خواهند بود. تکان‌دهنده‌ترین بخش این سند با توجه به تحولات امروز، اظهارات طولانی پوتین درباره ماهیت کشور اوکراین است. او با خشم نسبت به عضویت احتمالی اوکراین در ناتو هشدار داد: «اوکراین یک کشور طبیعی نیست؛ بلکه کشوری مصنوعی است که در دوران شوروی ایجاد شد.» او تشریح کرد که غرب اوکراین از لهستان، رومانی و مجارستان جدا شده و شرق آن متعلق به روسیه بوده است.

او با دآوری کرد که ۱۷ میلیون روس (یک‌سوم جمعیت) در اوکراین سکونت دارند. پوتین پیش‌بینی کرد که فشار برای عضویت در ناتو منجر به «افروپاشی و تکه‌تکه شدن» کشور خواهد شد. او استدلال کرد که هدف ناتو صرفاً سیاسی و برای «تثبیت وضعیت اوکراین در جهان غرب» است، اما این منطقی اشتباه است.

پوتین درباره کر جستان نیز هشدار ی جدی داد و پیش‌بینی کرد که عضویت در ناتو، میخائیل ساکاشویلی رئیس جمهور وقت کر جستان را گستاخ خواهد کرد تا برای بازپس‌گیری نظامی آبخازیا و اوستیای جنوبی تلاش کند. او هشدار داد که در این صورت «جنگ چریکی مشابه افغانستان» آغاز خواهد شد. پوتین برای انذار بوش از عواقب جنگ در قفقاز، تصویری هولناک ارائه داد: «وقتی ۱۰ سال پیش اینجا جنگ بود، چچنی‌ها با سرهای گر جی‌ها فوتبال بازی می‌کردند.» او تأکید کرد که اگر کر جستان دست به سلاح ببرد، روسیه مداخله خواهد کرد.

در میان تنش‌ها، تنها نقطه روشن همکاری روسیه و آمریکا، پرونده ایران بود. بوش راهبرد پوتین در قبال نیروگاه بوشهر را ستود و گفت: «من به مردم می‌گویم برنامه‌تو بسیار هوشمندانه بود. روسیه گفت: بفرمایید این هم سوخت، پس شما نیازی به غنی‌سازی ندارید. اگر غنی‌سازی کنید یعنی هدف غیرنظامی ندارید.» بوش همچنین از پوتین بابت تعویق فروش سامانه موشکی S-۳۰۰ به ایران قدردانی کرد. پوتین در پاسخ، طرف‌های ایرانی را «دبیوانه» خواند، اما با تعجب ابراز داشت که آن‌ها با وجود ایدئولوژی تند، افرادی «تحصیل کرده و روشن‌فکر» هستند. این سند با جمله‌ای از بوش پایان می‌یابد که به تیشم دستور می‌دهد بیانیه مشترک را با ادبیاتی ملایم و تسکین‌دهنده تنظیم کنند. این دیدار آخرین پرده از روایتی بود که نسبتاً دوسانه‌انه آغاز شده، اما در نهایت در سوچی، با تهدید موشک‌های هسته‌ای و نقشه‌های تجزیه کشورهای همسایه خاتمه یافت؛ میراثی که سایه سنگین آن تا به امروز بر جهان گسترده است.

درخواست مشابهی را در دیدار با بیل کلینتون، رئیس جمهور قبلی آمریکا مطرح کرده بود، می‌دانست که غرب و آمریکا هیچ گاه با این درخواست موافقت نمی‌کنند اما در حالی که روسیه، در بسیاری از حوزه‌ها قدرت خود را از دست داده بود و نیاز به همکاری با غرب برای بازپایی قدرت از دست‌رفته داشت، از این فرصت استفاده می‌کرد تا بتواند در برابر نفوذ ناتو به شرق ایستادگی کند.

پوتین در این گفت‌وگواش کرد که انگیزه سفرش به کره شمالی، جلوگیری از بهانه‌تراشی آمریکا برای لغو پیمان ABM بوده است. رئیس جمهور روسیه همچنین با الحنی آمیخته به طنز در باره سفرش به کوبا گفت: «آن‌ها یک نیروگاه هسته‌ای ناکارآمد و بی کیفیت برای ما فرستادند که ۳۰ میلیون دلار بابتش پول داده بودیم و اصلاً کار نمی‌کرد. من به آنجا رفتم تا پولم را پس بگیرم.» پوتین در این گفت‌وگو پاکستان را نیز یک «خونتای نظامی» توصیف کرد که به سلاح هسته‌ای مجهز است.

این سند تاریخی، تصویری از دورانی را ترسیم می‌کند که در آن رهبران آمریکا و روسیه با زبانی مشترک و دغدغه‌هایی نزدیک (نظیر تروریسم و اقتصاد) سخن می‌گفتند. بوش با وعده حمایت از عضویت روسیه در سازمان تجارت جهانی و لغو قانون «جکسون-وانیک» سعی در جذب مسکو داشت و پوتین با ارائه تصویری از روسیه‌ی اروپایی، خواهان پذیرش در باشگاه غرب بود. با این حال، گلابه‌های عمیق پوتین از سرزمین‌های ازدست‌رفته شوروی و گسترش ناتو، هشدار ی زودهنگام از بحران‌هایی بود که دو دهه بعد جهان را درگیر خود ساخت. قانون جکسون-وانیک یک اصلاحیه مشهور در قانون تجارت ایالات متحده مصوب سال ۱۹۷۴ بود که نقش مهمی در دوران جنگ سرد و روابط آمریکا با شوروی ایفا کرد. به زبان ساده، این قانون تجارت با آمریکا را مشروط به رعایت حقوق بشر (به‌ویژه حق مهاجرت‌امی کرد.

۲۰۰۵؛ به دنبال راهی برای مدیریت بحران‌ها

سند دوم، روایت دیدار دو رئیس جمهور، چهارسال پس از دیدار دوسانه‌در اسلووونی است. این دیدار در کاخ سفید که سپتامبر ۲۰۰۵ برگزار شد، همانند دیدار اسلوونی با شوخی‌های رؤسای جمهور آمریکا و روسیه آغاز شد. بوش که در ابتدای جلسه منتظر حضور کاندولیزا رایس، وزیر خار جه وقت آمریکا بود تا جلسه‌را آغاز کند، با ذکر یک خاطره گفت که در نشست اخیر شورای امنیت وقتی داشت یک یادداشت را به رایس می‌داد که روی آن نوشته شده بود «من باید به دستشویی بروم، چگونه این کار را انجام دهم؟»، رسانه‌ها از برگه یادداشت عکس گرفتند و آن را منتشر کردند. با این حال، فضا در ادامه تنش آلود شد و بحث‌ها درباره موضوعات مختلف نشانگر عمیق تر شدن اختلافات دو کشور بود.

بحث‌های ابتدایی پیرامون برنامه هسته‌ای ایران و گزینه نظامی است و سپس رهبران دو کشور مذاکره درباره برنامه هسته‌ای کره شمالی را آغاز می‌کنند. رئیس جمهور آمریکا وضعیت انسانی کره شمالی را «قتل‌بار» و «بسیار غم‌انگیز» توصیف می‌کند و می‌گوید: «آن‌ها مردم را از گرسنگی می‌کشند.» موضع او قاطع است: «راکتور آب سبک، هرگز.» پوتین اما با رد مقایسه کره شمالی با اروپای شرقی، تحلیلی هولناک ارائه می‌دهد: «من عضو حزب کمونیست بودم... این راهی طولانی برای تحول درونی است. کره شمالی از شوروی دوران استالین هم منزوی‌تر است.» او هشدار می‌دهد: «تعداد زیادی از آن‌ها آماده‌اند که برای ایدئولوژی بمیرند. آنجا آلمان شرقی نیست.» پوتین همچنین خاطره‌ای از سفر خود به پیونگ‌یانگ نقل می‌کند که حتی محافظان امنیتی‌اش گفته بودند: «هرگز نمی‌خواهیم دوباره به اینجا برگردیم.»

یکی از حساس‌ترین فرازهای مذاکرات ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۵، زمانی رقم خورد که «ولادیمیر پوتین» با پیش کشیدن مبحث فنی «کلاهک‌های هسته‌ای کوچک» که کلاهک‌های تاکتیکی نیز خوانده می‌شوند، دکترین نظامی ایالات متحده را به چالش کشید. این گفت‌وگو که با اتهام‌زنی پوتین آغاز شد، به‌سرعت به جدالی کلامی میان او، جورج بوش و دونالد رامسفلد وزیر دفاع وقت آمریکا بدل گردید و شکاف عمیق میان مسکو و واشنگتن را پیرامون مفهوم «آستانه استفاده از سلاح هسته‌ای» آشکار ساخت.

پوتین بحث را با طرح یک نگرانی راهبردی آغاز کرد و خطاب به طرف آمریکایی گفت: «شنیده‌ام که شما در حال توسعه تسلیحات هسته‌ای کوچک و تاکتیکی هستید. استفاده از این سلاح‌ها همیشه وسوسه‌انگیز خواهد بود.» استدلال پوتین فراتر از مسائل فنی بود؛ او باور داشت که کوچک‌سازی سلاح هسته‌ای، قبح استفاده از آن را از بین می‌برد: «روش و ابزار استفاده از این تسلیحات، روانشناسی کشورهای دارای سلاح هسته‌ای را تغییر می‌دهد. استفاده از آن‌ها به‌جای بازآزدندگی صرف ممکن می‌شود.»

بوش که گویی از طرح این موضوع غافلگیر شده بود، پرسید: «شما ما را متهم می‌کنید که سلاح‌های هسته‌ای کوچک می‌سازیم؟» در اینجا دونالد رامسفلد برای تشریح ماهیت پروژه وارد بحث شد. او فاش کرد که پیش‌تر با سرگئی ایوانوف وزیر دفاع وقت روسیه در این باره گفت‌وگو کرده است. دفاع رامسفلد بر پایه نیاز عملیاتی استوار بود: «ما از کنگره در خواست مجوز کرده‌ایم تا سلاح‌های بزرگ و کثیف را کنار گذاشته و آن‌ها را به نمونه‌های کوچک‌تر تبدیل کنیم؛ چراکه افراد زیادی در حال انجام فعالیت‌هایی در زیرزمین هستند. شما نمی‌توانید با سلاح‌های متعارف به آن‌ها دسترسی پیدا کنید.» رامسفلد با اشاره به موانع داخلی در آمریکا افزود: «اما ما هنوز نتوانسته‌ایم موافقت کنگره را جلب کنیم.»

فضای سنگین بحث برای لحظاتی با شوخی دو رئیس جمهور تلطیف شد. بوش پس از توضیحات وزیر دفاعش به شوخی گفت: «رامسفلد همین الان تمام اسرار ما را لو داد.» پوتین با کنایه‌ای هوشمندانه پاسخ داد: «من تمام آن اسرار را در اینترنت خواندم. من حتی خواندم که چطور می‌توان یک بمب اتم ساخت.» بوش نیز در پاسخ گفت: «ما باید از دارا باشیم.»

با حفظ «آسب‌پذیری متقابل» بود و طرفین استدلال می‌کردند که اگر هیچ کدام از طرفین سپر دفاعی کاملی نداشته باشند، هیچ کدام برای شروع حمله هسته‌ای پیش‌دستی نخواهند کرد. در سال ۲۰۰۱، دولت وقت ایالات متحده در تلاش بود تا از پیمان موشک‌های ضدبالستیک خارج شود و معتقد بود این پیمان مانع از توسعه سیستم‌های دفاعی برای مقابله با تهدیدات «کشورهای سرکش» و تروریست‌ها می‌شود.

در نشست اسلووونی، پوتین با الحنی پرسشگرانه در این باره از بوش سوال کرد: «چرا پیمان ABM برای شما محدودکننده است؟ این پیمان چگونه به یک مانع امنیتی برای شما تبدیل شده است؟ نظر من این است که اجازه دهید متخصصان موضوع را به طور کامل بررسی کنند.» رئیس جمهور آمریکا با رد ماهیت این پیمان، استدلال کرد: «پیمان ABM رابطه ما را به عنوان دشمن تثبیت کرده است. تکیه بر اینکه می‌توانیم یکدیگر را نابود کنیم، به معنای ثبات نیست... این پیمان خصوصت را نهاده‌ین می‌کند، نه ثبات را.» بوش کوشید پوتین را متقاعد کند که سیستم دفاع موشکی مدنظر او، تکرار طرح «جنگ ستارگان» نیست، بلکه برای مقابله با «کشورهای سرکش» طراحی شده است که ممکن است آمریکا با روسیه را هدف اخاذی قرار دهند. پس از این استدلال‌ها، بوش از پوتین دعوت کرد که به ایالات متحده و اقامتگاه شخصی او سفر کند. در اینجا، پوتین ضمن استقبال از دعوت بوش و تلاش آمریکا برای گسترده‌تر کردن چار چوب روابط دو کشور، به تجربه تلخ اتحاد جماهیر شوروی اشاره و تأکید می‌کند که روابط باید بر مبنای راستگویی باشد: «حسن نیت اتحاد جماهیر شوروی دنیا را داوطلبانه تغییر داد. روس‌ها داوطلبانه هزاران کیلومتر مربع از خاک خود را واگذار کردند. این امر در تاریخ بی‌سابقه است.» او به‌طور مشخص به از دست دادن سرزمین‌های استراتژیک اشاره کرد: «اوکراین، که برای قرن‌ها بخشی از روسیه بود، واگذار شد. قزاقستان واگذار شد. قفقاز هم همین‌طور.» پوتین از غرب گلابه کرد که در قبال این فداکاری‌ها، پاسخ در خوری ارائه نداده است: «دوستان جدید من، مرا رها کردند.»

پوتین گفت: «من می‌دانم شما نگران روابط روسیه با برخی دولت‌های سرکش هستید. فکر می‌کنید من از آن‌ها خوشم می‌آید؟»

بوش اظهار کرد که «نمی‌دانم، اما می‌دانم که شما با آن‌ها ارتباط دارید.» رئیس جمهور وقت آمریکا سپس اقدام به گلابه از برخی سیاست‌های روسیه شامل ارتباط با ایران، بر خورده سخت با شورشیان چچن و نبوده مطبوعات آزاد می‌کند. او سپس می‌گوید: «شما اگر نگران مرزهای جنوبی خود هستید، بهتر است که با گسترش ناتو موافقت کنید، چون این موضوع ثبات و امنیت را برای منطقه به ارمغان می‌آورد.» او با این حال با مجموعه‌ای از جملات مثبت و جالب توجه به این بخش از صحبت‌های خود پایان می‌دهد: «روسیه به غرب تعلق دارد و یک دشمن نیست. در ۵۰ سال آینده چین می‌تواند به یک دردرس بزرگ تبدیل شود. منافع روسیه با غرب همسواست.»

رئیس جمهور روسیه بعد از شنیدن این سخنان توضیحاتی درباره گلابه‌های بوش می‌دهد و بعد دوباره به موضوع روابط روسیه با غرب و ناتو بازمی‌گردد و در خواستی را مطرح می‌کند که برای بوش تعجب‌انگیز است: «اینکه گفتید روسیه دشمن نیست بسیار مهم است. صحبت‌های شما درباره ۵۰ سال آینده نیز اهمیت زیادی دارد. اما در مورد ناتو، اگر روسیه بخشی از ناتو نباشد، احساس می‌کند که از همکاری‌های امنیتی کنار گذاشته شده و خب در این صورت، از نظر روسیه چه نیازی به گسترش ناتو وجود دارد؟ در سال ۱۹۵۴ اتحاد جماهیر شوروی در خواستی را برای عضویت در ناتو ارائه داد. من سسند آن را دارم. با این حال ناتو به چهار دلیل به شوروی جواب منفی داد؛ حل نشدن مسئله انرژی، حل نشدن مسئله آلمان، سلطه تمامیت‌خواهانه شوروی بر شرق اروپا و عدم همکاری با سازمان ملل در موضوع خلع سلاح. اکنون تمام این شرایط برآورده شده است. شاید روسیه بتواند یک متحد باشد... روسیه کشوری اروپایی است... ما احساس می‌کنیم که از ناتو بیرون مانده‌ایم.»

پس از مرگ استالین در سال ۱۹۵۳، رهبران جدید شوروی (نیکیتا خروشچف و ویاچسلاف مولوتوف) تصمیم گرفتند رویکرد متفاوتی در سیاست خارجی پیش بگیرند. در خواست عضویت در ناتو که در ۳۱ مارس ۱۹۵۴ ارسال شد، یک حرکت «برد-برد» برای شوروی محسوب می‌شد. شوروی استدلال می‌کرد که اگر ناتو واقعاً یک سازمان تدافعی برای حفظ صلح است و نه یک ائتلاف ضد شوروی، پس باید با عضویت شوروی موافقت کند. اگر غرب این درخواست را رد می‌کرد (که کرد)، شوروی می‌توانست به جهان بگوید: «ببینید! ناتو یک اتحاد تهاجمی است که فقط برای دشمنی با ما ساخته شده است.» اگر به فرض محال غرب با این درخواست موافقت می‌کرد، شوروی به عنوان عضو ناتو می‌توانست از حق وتو استفاده کند و تصمیم‌گیری‌های سازمان را قفل کند. این کار عملاً ناتو را از درون نابود می‌کرد و نفوذ آمریکا در اروپا را خنثی می‌ساخت. یکی از بزرگ‌ترین ترس‌های شوروی در آن زمان، پیوستن آلمان غربی به ناتو و مسلح شدن دوباره آن بود. شوروی امیدوار بود با طرح یک سیستم امنیت جمعی جدید که خود نیز در آن حضور دارد، مانع از شکل‌گیری یک آلمان غربی قدرتمند و نظامی‌شود.

بلافاصله پس از رد زدن درخواست و زمانی که آلمان غربی در سال ۱۹۵۵ رسماً به ناتو پیوست، شوروی واکنش نهایی خود را نشان داد: تاسیس پیمان ورشو در سال ۱۹۵۵. شوروی با ادعای اینکه ناتو یک پیمان تهاجمی است، بلوک شرق را در یک اتحاد نظامی رسمی در برابر ناتو سازماندهی کرد و جنگ سرد وارد فاز جدیدی از صفارایی نظامی‌شد.

برخی تحلیلگران معتقدند که رویکرد پوتین هم مشابه رهبران اتحاد شوروی، تلاشی برای آشکار ساختن رویکرد واقعی ناتو و خنثی کردن ایده گسترش دوسانه این ائتلاف به شرق بود. پوتین که پیش‌تر

سیاستمداران



زنسکی کاره‌ای نیست

ترامپ در مصاحبه‌ای اختصاصی با رسانه آمریکایی خود را به عنوان داور نهایی هرگونه توافق صلح بین اوکراین و روسیه معرفی کرد و گفت: «زنسکی هیچ چیزی ندارد که من آن را تأیید کنم. پس خواهیم دید او چه چیزی در چننه دارد.» صحبت‌های «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا در گفت‌وگویی با پایگاه خبری پولیتیکو در حالی مطرح شده که «ولودیمیر زنسکی» رئیس جمهور اوکراین قرار است روز یکشنبه ۲۸ دسامبر در مارا لاگو با ترامپ دیدار کند. زنسکی به خبرنگاران گفته است که طرح صلح جدید ۲۰ بندی را با خود در سفر به فلوریدا به همراه خواهد داشت. این چار چوب شامل یک منطقه غیرنظامی پیشنهادی است و دیدار بین رؤسای جمهور آمریکا و اوکراین بر محور تضمین‌های امنیتی واشنگتن استوار است اما ترامپ در مصاحبه خود با یالتیکو به‌نظر به این پیشنهاد زنسکی بی‌میل است و عجله‌ای برای تأیید پیشنهاد او ندارد. رئیس جمهور آمریکا گفت: «تا زمانی که من چیزی را تأیید نکنم، زنسکی چیزی نخواهد داشت. خواهیم دید.» ترامپ در مصاحبه‌ای با نشریه پولیتیکو که روز جمعه منتشر شد، گفت: «او چیزی برای تأیید من ندارد... بنابراین خواهیم دید که چه چیزی دارد.»



حمایت از شهرسازی

وزیر خار جه اسرائیل با رد انتقادات گسترده بین‌المللی، اعلام کرد که شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی حق یهودیان است و دولت‌های خارجی نمی‌توانند این حق را محدود کنند. «گدعون ساعر»، وزیر خار جه رژیم صهیونیستی در واکنش به موج انتقادات بین‌المللی پس از تصویب ساخت ۱۹ شهرک جدید در کرانه باختری اشغالی، با انتشار پستی بر روی پلتفرم «ایکس» (توییتر سابق) اظهار کرد دولت‌های خارجی نمی‌توانند حق یهودیان برای زندگی در سرزمین اشغالی را محدود کنند. این موضع، اراده تل آویو برای ادامه سیاست‌های شهرک‌سازی علی‌رغم محکومیت‌های فراینده را نشان می‌دهد. بر اساس گزارش وبگاه خبری عربی ۲۱، گدعون ساعر در ادامه افزود: «اسرائیل به شدت بیانیه کشورهای خارجی در خصوص تصمیم کابینه در مورد شهرک‌سازی در کرانه باختری را رد می‌کند.» وی همچنین مدعی شد: «هرگونه فراخوانی از این نوع، از نظر اخلاقی نادرست، تبعیض‌آمیز و علیه یهودیان است.»



هشدار ریاض در یمن

به گفته وزیر دفاع عربستان زمان آن فرا رسیده که شورای انتقالی جنوب یمن با علانیت و تدبیر به تلاش‌های میانجی‌گری سعودی-اماراتی پاسخ دهد و خشونت‌ها را متوقف کند. «خالد بن سلمان» وزیر دفاع عربستان در بیانیه‌ای بر لزوم حل مسئله جنوب یمن از طریق توافق و اجماع تأکید کرد. طبق گزارش روزنامه «العربی الجدید»، او از شورای انتقالی جنوب یمن خواست تا روند خشونت و تنش را متوقف کرده و نیروهای خود را از اردوگاه‌های استان‌های حضرموت والمهره خارج کند. وی همچنین یادآور شد که موضوع جنوب یمن در هر راهکار سیاسی فراگیر همچنان مطرح خواهد بود و نباید فراموش یا نادیده گرفته شود. وزیر دفاع عربستان سعودی از تمامی طرف‌ها خواست تا با اتخاذ رویکرد عقلانی و معقول، در مسیر میانجی‌گری حرکت کرده و زمینه پایان یافتن تشدید تنش‌ها در این منطقه را فراهم کنند. شورای انتقالی جنوب یمن که در سال ۲۰۱۷ تأسیس شده دارد و خواستار جدایی جنوب از شمال یمن است.